



## اصول و مبانی فقهی جزیه و مقایسه اجمالی آن با فدیة و خراج

مأئده مدرسی عاصم

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)

[Modaresi.bme@gmail.com](mailto:Modaresi.bme@gmail.com)

دکتر محمد هرندی

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)

### چکیده

جزیه، مالیات غیرمسلمانان از اهل ذمه ساکن در سرزمین‌های اسلامی است که به دولت اسلامی برای تأمین جان و مال خود و کسب حمایت از سوی حکومت اسلامی می‌پردازند. گرفتن جزیه، به تصریح قرآن نه تنها مشروع، بلکه واجب است و در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پس از ایشان از اهل کتاب دریافت می‌شد. البته حکم گرفتن جزیه از غیرمسلمانان مورد اختلاف است، بگونه‌ای که برخی فقهای اهل سنت جزیه گرفتن از هر کافری را جایز دانسته‌اند و مستند آنان روایت بریده است. به عقیده برخی فقهای دیگر، اگر کافر مستأمن اجازه یک ساله داشته باشد دولت اسلامی می‌تواند از وی جزیه بگیرد، امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی از اهل کتاب جزیه گرفته نمی‌شود. در اسلام دریافت جزیه مقارن با نخستین سالهای ظهور دین اسلام و دوران زمامداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) آغاز گردید.

در مواردی می‌توان جزیه را با خراج و فدیة مقایسه نمود و تفاوتها و شباهتهای کاربردی آنان را مورد بررسی قرار داد. به نظر برخی مولفان تفاوت در کاربرد دو واژه جزیه و خراج در مناطق گوناگون جهان اسلام موجب تداخل مفهومی این دو واژه گردیده است. خراج را در ولایتهای شرقی ایران، هم به معنای مالیات بر زمین بوده و هم به معنای جزیه‌ای که از همه ساکنان یک منطقه یا شهر می‌گرفتند، شده است. یکی از سه معنای کلمه خراج، جزیه‌ای است که از زمین گرفته می‌شد (خراج جزیه‌ای)، ولی با توجه به کلمه جزیه و خراج، تفاوت اساسی در مفهوم و کاربرد این دو (جزیه و خراج) به روشنی مشهود است. خراج را مالیات بر اراضی مفتوح‌العنوه خوانده‌اند، در حالیکه جزیه از جمله تعهدات اصلی اهل ذمه در قبال التزام دولت اسلامی به حمایت از آنان به موجب قرارداد، ذمه می‌شمارند.

در مورد مقایسه جزیه و فدیة نیز می‌باید نقشهای کاربردی آنان (جزیه و فدیة) را مورد توجه قرارداد. زیرا جزیه، مالیات اهل ذمه به مسلمانان برای حمایت دولت اسلامی از آنان است. در حالیکه فدیة، پرداخت مالی است بصورت بدل و جایگزین برای رهایی و نجات اشخاص از شر گرفتاریها و مشکلات.

**کلید واژگان:** جزیه - مالیات سرانه - اهل ذمه - فدیة - خراج - عدالت اجتماعی



## ۱- مقدمه

جزیه یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که به افراد تعلق می‌گیرد، نه بر اموال و اراضی [۱] و به تعبیری دیگر مالیات "سرانه سالانه" است [۲]. لغت شناسان جزیه را از ماده "جزا" به معنای مالی می‌دانند که از غیرمسلمانان و اهل ذمه گرفته می‌شود تا در پناه حکومت اسلامی در امنیت و حمایت مسلمانان زندگی کنند [۳].

موید این مطلب، آیه ۲۹ سوره توبه درباره جنگ و قتال با مشرکان بدلیل پیمان شکنی آنان است. این آیه شریفه از دلایل مشروعیت اخذ جزیه از اهل ذمه می‌باشد، که به آن آیه جزیه گویند: "قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون" "با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز باز پسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را که خدا و فرستاده اش حرام گردانیده اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند، کارزار کنید، تا با (کمال) خواری بدست خود جزیه دهند" [۴].

صاغر در این آیه، از ماده "صغر" (بر وزن پسر) به معنی کسی است که به کوچکی راضی شود، و منظور آن در آیه فوق آن است که پرداختن جزیه باید بعنوان خضوع در برابر آئین اسلام و قرآن بوده باشد و به تعبیر دیگر، نشانه ای برای همزیستی مسالمت آمیز و قبول موقعیت یک اقلیم سالم و محترم در برابر اکثریت حاکم بوده است و اینکه بعضی از مفسران آن را به عنوان تحقیر و توهین و اهانت و سُخریه اهل کتاب دانسته اند، نه از مفهوم لغوی کلمه استفاده می‌شود و نه با روح تعلیمات اسلام سازگار است و نه با سایر دستوراتی که درباره طرز رفتار با اقلیتهای مذهبی به ما رسیده است تطابق دارد [۵].

از این رو جزیه تنها یک نوع کمک مالی است که از طرف اهل کتاب و ذمه در برابر مسئولیتی که مسلمانان بمنظور تأمین امنیت جان و مال آنها بعهده می‌گیرند پرداخت می‌شود [۶].

## ۲- معنای جزیه

### ۱-۲ معنای لغوی جزیه

در لغت نامه دهخدا جزیه، معرب "گزیت" در فارسی معنا گردیده و آن را به معنای مالیات و خراج از اهل کتاب معرفی نموده است، تا در قلمرو حکومت اسلامی جان و مالشان حفظ گردد [۷]. واژه جزیه در پهلوی به معنای مالیات نقدی بوده که ساسانیان، پیش از اسلام از یهود و نصاری می‌گرفتند [۸]. همچنین جزیه از ماده "جزی" و علت این تسمیه بعقیده راغب، اکتفا شدن بوسیله آن در حفظ خون و احترام به اهل کتاب است و در نهایت به پاداش دادن نیز معنا گردیده است [۹]. همچنین جزیه در بعضی کتب لغوی و فقهی بعنوان "کفایت کردن" نیز معنا شده است [۱۰].

### ۲-۲ معنای اصطلاحی جزیه

معنای فقهی و اصطلاحی جزیه، در باب جهاد، در کتب فقهی به روشنی تبیین گردیده است. جزیه به مالیاتی اطلاق شده است که دولت اسلامی از اهل کتاب در قبال اقامت آنان در سرزمینهای اسلامی و مصونیت از تعرض دیگران به جان و مالشان، بر اساس قرارداد ذمه دریافت می‌کند [۱۱].

## ۳- حکم قرآن در مورد جزیه

از جمله دلایلی که اخذ جزیه از اهل کتاب و ذمه را مشروعیت می‌بخشد آیه قرآن [۱۲] و سنت نبوی می‌باشد. نخستین جزیه در اسلام، همزمان با نزول آیه ۲۹ سوره توبه دریافت گردید که تاریخ نگاران دریافت آن را در سال هشتم یا نهم هجری بر شمرده اند [۱۳].



با نزول آیه ۲۹ سوره توبه که به آیه جزیه مشهور است، وظیفه مسلمانان درباره اسراء و بازماندگان در جنگ از اهل ذمه، با حکم گرفتن جزیه از آنان بخوبی تشریح و بیان گردیده است، که گرفتن جزیه را نه تنها مشروع، بلکه واجب می‌شمارد [۱۴]. در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و نیز پس آن حضرت، از اهل کتاب جزیه دریافت می‌شد، زیرا اهل کتاب در قلمرو حکومت اسلامی مُخیر به انجام سه امر بودند: پذیرش اسلام، جنگ و ملتزم گردیدن به شروط ذمه، که در صورتی که امر سوم را می‌پذیرفتند موظف به پرداخت جزیه بودند [۱۵].

#### ۴- آثار اجتماعی پرداخت جزیه

از جمله آثار پسندیده پرداخت جزیه در قلمرو حکومت اسلامی، ایجاد عدالت در تقسیم اموال و امکانات در سطح جامعه مسلمانان و غیرمسلمانان است. با این دیدگاه، جزیه مظهر رعایت عدالت اجتماعی، میان مردم مسلمان و غیرمسلمان در سطح جامعه اسلامی است [۱۶]. برخی نیز هدف اساسی از انعقاد قرار داد ذمه را، در هم آمیختن ذمیان با مسلمانان و آشنا شدن آنان با دین اسلام می‌دانند [۱۷]. علامه محمد باقر مجلسی (ره) جزیه را کیفر برای اهل کتاب و ذمه نمی‌داند زیرا آن را قراردادی می‌شمارد که با رضایت دو طرف با توجه به توانایی مالی ذمیان بسته شده و از آنان برای حمایتشان بصورت مالیات سرانه گرفته می‌شود [۱۸].

بنابراین کسی نمی‌تواند ادعا کند گرفتن جزیه اهل کتاب، کاری ظالمانه است. چراکه هر مملکتی برای اداره امور و مردمش ناگزیر از وصول مالیات می‌باشد [۱۹]. علاوه بر این، در گرفتن جزیه توان اقتصادی جزیه دهنده نیز لحاظ می‌گردد. در این میان توان و بضاعت مالی فقرا از اهل کتاب نیز در نظر گرفته می‌شود، بعنوان مثال در زمان امیرالمومنین علی (علیه السلام) مبلغ ناچیزی بعنوان جزیه شرعی از اهل کتاب دریافت می‌گردید که قابل مقایسه با مالیات اخذ شده از مسلمین نبود [۲۰]. از دیگر آثار اجتماعی پرداخت جزیه، حمایت حکومت اسلامی از ذمیان است. جزیه گرفته می‌شود تا هزینه‌هایی که حکومت اسلامی برای حمایت از ذمیان کرده است، تأمین گردد [۲۱]. از ثمرات دیگر پرداخت جزیه توسط اهل ذمه، آشنایی آنان با اسلام و شعائر دینی مسلمانان است که عده ای آن را هدف اساسی از انعقاد ذمه می‌دانند [۲۲].

#### ۵- مقایسه اجمالی جزیه با فدیة

آنچه که از قرآن و سنت نبوی در مورد وجوب پرداخت جزیه در دولت اسلامی از اهل کتاب می‌توان نتیجه گرفت آن است که گرفتن جزیه از اهل ذمه تنها در مواردی است که بین سه امر: پذیرش اسلام، جنگ و پرداخت جزیه برای حفظ جان و مالشان مُخیر هستند [۲۳]. علی رغم باورهای غلط در مورد ظالمانه بودن این عمل (گرفتن جزیه از اهل ذمه)، دریافت جزیه همواره برخوردار عادلانه از سوی حکومت اسلامی با اهل کتاب می‌باشد [۲۴] که در این مورد همواره بضاعت و توان مالی اهل ذمه در نظر گرفته شده است [۲۵].

اما در مورد مسئله فدیة، حکم با جزیه، هم مفهوماً و هم مصداقاً تفاوت‌هایی اساسی دارد. پرداخت فدیة تنها برای اهل کتاب و در باب جهاد واجب نگردیده است [۲۶]. بلکه فدیة را در مواردی نظیر: صوم- حج- جهاد- خلع و مبارات- قصاص اهمیت و کاربردش را می‌توان دریافت [۲۷]. زیرا به مالی اطلاق می‌شود که عوض و جایگزین عملی واجب است که از مکلف فوت گردیده است و برای رهایی از اسارت و گرفتاری اسیران جنگی و غیر آن در نظر گرفته شده است [۲۸].

بنابراین فدیة، علی رغم شباهتهایی که با جزیه از جهت حفظ جان و مال و مالیاتی است که دولت اسلامی سالیانه اخذ می‌نماید، برخلاف جزیه که فقط شامل اهل کتاب و ذمه می‌باشد، حکمی عام و فراگیر است [۲۹]. در نتیجه فدیة مالی است که در موارد مختلف فقهی بعنوان بدل و جایگزینی برای نجات از گرفتاری و مشکل پرداخت می‌شود [۳۰]. برخلاف جزیه که یا بر



فرد اهل ذمه و یا بر زمین‌های آنان تعلق می‌گیرد. البته بر جواز قرار دادن جزیه بر هر دو (سرانه و زمین) اختلاف دیدگاه وجود دارد [۳۱]. برخی از قُدماء و اکثر متأخرین، قائل به جواز جمع بین آن دو (سرانه و زمین) هستند، اما اگر در ابتدا جزیه بر یکی از آن دو قرار داده شد، تغییر و تبدیل آن به دیگری جایز نیست، در حالی که جزیه تنها بر دادن مالی اطلاق می‌شود که در ابتدا و تا انتهایش بدل و جایگزینی برای آن نمی‌باشد [۳۲]. فدیة مال پرداختی است که خود بدل و جایگزین عمل واجب است که فوت گردیده است، برخی از فائلان به عدم جواز بین سرانه و زمین در جزیه گفته‌اند در صورتی است که یکی از آن دو در ابتدا تعیین شده باشد نه مطلقاً، که در این فرض ممکن، عدم تغییر بعد از تعیین، اجماعی است [۳۳].

#### ۶- مقایسه اجمالی جزیه با خراج

در منابع فقهی و حدیثی اصطلاح خراج با دو عنوان اراضی عشری (زمین‌هایی که یک دهم محصول آن بعنوان مالیات گرفته می‌شود) و اراضی خراجی که معنای مطلق مالیات و خراج بوده است [۳۴]. از سویی دیگر خراج در منابع فقهی اصطلاحاً به معنای مالیاتی است که به اصل زمین تعلق می‌گیرد. مفهوم خراج در کلمات فقها با مقاسمه همراه بوده که مراد از آن مقداری مال از غیر محصول زمین خراجی است و مراد از مقاسمه سهمی از محصول زمین است [۳۵]. اصطلاح خراج وظیفه به معنای مالیات نقدی به میزان معین از زمین گاهی در برابر تعبیر خراج مقاسمه (مالیات برای محصول به تناسب ارزش سالانه آن) ذکر شده است [۳۶].

۴

با توجه به ساختار معنایی و مفهومی جزیه که در کتب لغت به معنای مالیات سرانه بکار می‌رفته است، لذا در آغاز تشریح خراج در اسلام که مقارن با قرن هشتم یا نهم هجری بوده به زمینهایی که در تصرف غیرمسلمانان بوده، مالیات تعلق گرفته است، که فقها آن را نوعی جزیه بر زمین دانسته‌اند و جزیه را خراج بر رؤس تعریف کرده‌اند و بعدها خراج اراضی عهد را خراج جزیه نامیدند و خراج اراضی عنوه را خراج اجرت نامگذاری کردند. با این حال از سه معنای کلمه خراج، یعنی خراج اراضی عهد، خراج اراضی عنوه و خراج جزیه ای، در تمام مواردی که خراج و جزیه بصورت مترادف آورده شد، منظور همان خراج جزیه ای بوده است [۳۷].

بنابراین از دیدگاه فقه اسلامی تفاوت اساسی در کاربرد مسئله خراج با جزیه بیان گردیده است. خراج را مالیات بر اراضی مفتوح العنوه خوانده‌اند، در حالیکه جزیه را یکی از تعهدات اصلی اهل ذمه، در مقابل التزام حکومت اسلامی در حمایت از آنان بر شمرده‌اند، که این تفاوت را در برخی احادیث می‌توان به روشنی دریافت [۳۸]. از این جهت که با اسلام آوردن اهل ذمه جزیه ساقط می‌شود ولی خراج همچنان از تعهدات اهل ذمه می‌باشد، گرچه هر دو (خراج و جزیه) مالیاتی سرانه هستند که مصرف یکسانی نیز دارند [۳۹].

#### ۷- انواع جزیه در اسلام

شماری از فقهای اهل سنت (مالکی)، جزیه را بر اساس رضایت یا عدم رضایت ذمی، به جزیه "صلحیه" و "عنوییه" تقسیم کرده‌اند. چنین تقسیمی در فقه امامیه، شافعی و حنبلی وجود ندارد. زیرا این مذاهب حکم جزیه را فقط در سرزمینهایی که با صلح بدست مسلمانان افتاده است جاری می‌دانند [۴۰]. از انواع جزیه در اسلام، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- جزیه صلحیه: هرگاه عقد ذمه بر پایه صلح و رضایت طرفین انعقاد یافته باشد. مقدار جزیه بر اساس توافق دو طرف تعیین می‌گردد که جزیه صلحیه نامیده می‌شود [۴۱].
- جزیه عنوییه: اگر حاکم اسلامی در سرزمینهایی که با زور و غلبه به تصرف لشکر اسلام در آمده است جزیه ای وضع کند (مانند سرزمین سواد عراق) به آن جزیه عنوییه اطلاق می‌گردد [۴۲].



- جزیه عشریه: برخی از فقهای اهل سنت نیز قائل اند که از مال التجاره ذمیان مالیات اخذ شود، که آن را جزیه عشریه (زمینهایی که یک دهم محصول آن بعنوان مالیات گرفته می‌شود) نامگذاری کردند [۴۳].

#### ۸- شرایط جزیه دهنده

برخی از این شرایط، شامل موارد ذیل است:

- آزادی: بنابر مشهور، آزاد بودن، شرط جزیه دهنده است. بنابراین از برده جزیه گرفته نمی‌شود [۴۴].
- بلوغ از شرایط مهم جزیه دهنده بلوغ است. بنابراین اطفال از پرداخت جزیه معاف اند [۴۵].
- عقل: از دیگر شروط مهم در جزیه دهنده، داشتن عقل و سلامت آن است. لذا کسانی که کشتن آنها در جنگ نهی شده است، همچون دیوانگان، از پرداخت جزیه معاف اند [۴۶].
- مرد بودن: اگر زنی ذمی بدلیل ناآگاهی از واجب نبودن جزیه برای زنان بصورت **تبرعی** مبلغی بپردازد، می‌تواند آن را پس بگیرد [۴۷].
- اهل کتاب باشد: به نظر مشهور فقهای امامیه و برخی از فقهای اهل سنت، با استناد به آیه ۲۹ سوره توبه و احادیث، جزیه تنها از اهل کتاب گرفته می‌شود [۴۸].

۵

#### ۹- حکم اخذ جزیه غیر از اهل کتاب

برخی فقهای اهل سنت، جزیه گرفتن از هر کافری را جایز می‌دانند. افرادی نظیر: مالک بن انس - اوزاعی - ثوری، با استناد به احادیثی مانند روایت بریده، معتقدند که بطور مطلق عقد قرارداد با مشرکان جایز است [۴۹]. به نظر برخی فقهای اهل سنت، از کسانی که مذهبشان معلوم نیست، می‌توان جزیه گرفت [۵۰]. ابوحنیفه گرفتن جزیه از بت پرستان عجم را نیز جایز دانسته است [۵۱] و به نظر برخی حنفیان [۵۲] از هر کافری غیر از بت پرستان عرب می‌توان جزیه گرفت. فقهای شیعه، قبول جزیه از صائبین را نپذیرفته‌اند، این قول را معدودی از آنها از جمله ابن جنید پذیرفته است [۵۳]. ولی برخی فقهای اهل سنت صائبین را اهل کتاب می‌دانند و این عقیده را مشروط به پذیرفتن و مخالفت آنان با عقاید اهل کتاب می‌دانند. به نظر برخی فقهای شیعه، حاکم اسلامی حق دارد در قبال دریافت عوض با غیر اهل کتاب نیز قرارداد ذمه ببندد و از آنان جزیه دریافت نماید [۵۴]. به نظر برخی، حاکم کشور اسلامی با توجه به شرایط و مصالح عمومی مسلمین از تمام غیرمسلمانان ساکن در سرزمین‌های اسلامی اهل کتاب باشد یا غیر آنان مالیات اخذ نماید و با آنان مصالحه نماید، اما دریافت جزیه، به جهت پذیرفتن برخی تعهدات و انجام قرارداد فی مابین است و ذمی مالی را برای حمایت و حفاظت خودش پرداخت می‌کند، لذا حکم جزیه تنها شامل اهل کتاب می‌شود و شامل غیرمسلمانان نمی‌گردد [۵۵].

#### ۱۰- عوامل ساقط شدن جزیه

- عواملی که حتی پس از وجوب، موجب سقوط جزیه از عهده ذمی، می‌گردد عبارتند از:
- اسلام آوردن ذمی: ظاهر آن است که جزیه با اسلام آوردن ذمی ساقط می‌گردد. چه اسلام آوردن او به انگیزه سقوط جزیه باشد یا نه [۵۶].



- فوت جزیه دهنده: به نظر فقهای شیعه و اهل سنت، به جز ابوحنیفه و مالک بن انس، اگر بعد از رسیدن زمان پرداخت جزیه، ذمی بمیرد، جزیه از دارایی اش برداشته می‌شود و اگر مالی نداشته باشد، ساقط می‌شود [۵۷].
- ناتوانی حکومت اسلامی در انجام تعهداتش [۵۸].
- مطالبه نکردن جزیه از سوی حکومت اسلامی: در صورتی که حکومت اسلامی در موعد جزیه، آن را مطالبه نکند جزیه آن سال ساقط می‌شود [۵۹].
- ارتداد: از مرتد جزیه گرفته نمی‌شود [۶۰]. همچنین به نظر فقها، غیرمسلمانانی که بطور موقت در کشورهای اسلامی اقامت دارند مشمول حکم جزیه نیستند، البته به عقیده برخی فقهای دیگر، اگر کافر مستأمن، اجاره اقامت یک ساله داشته باشد، دولت اسلامی می‌تواند از وی جزیه بگیرد [۶۱].
- فقیر: حنیفان، مالکیان، حنبلیان و برخی از فقهای شیعه، [۶۲] فقیر را معاف از جزیه می‌دانند. ولی فقهای امامیه و شافعیان جزیه را بر فقیر واجب دانسته و تا زمان تمکن، برای او مهلت قائل شده‌اند [۶۳].
- شرکت کردن ذمی در جنگ.
- خروج ذمی از سرزمین‌های اسلامی (دارالاسلام).
- حدوث امری که موجب ناتوانی از پرداخت جزیه شود مانند: زمین‌گیری - ناتوانی و پیری.
- نقض کردن شرایط عقد ذمه از سوی ذمی.
- بیان نکردن عنوان جزیه در عقد قرارداد ذمه.
- بردگی و اسارت: به نظر مشهور فقهای، بردگان از پرداخت جزیه معاف‌اند، ولی برخی از فقها پرداخت جزیه بردگان را بر عهده مالکان آنها دانسته‌اند [۶۴].
- تظاهر کردن ذمی به چیزهایی که در اسلام از آن نهی شده است: ذمی تظاهر به چیزهایی که نزد ما از منکرات است، نماید مانند: آشامیدن شراب، انجام دادن زنا، خوردن گوشت خوک و ازدواج با محرمات [۶۵].

### نتیجه‌گیری

از مجموعه مطالبی که در مورد جزیه از نظر فقهای امامیه و اهل سنت در این مقاله، مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان نتیجه گرفت که جزیه همواره با دو عنوان کلی سرانه و زمین از اهل کتاب اخذ شده و همواره تابع شرایط عقد ذمه می‌باشد. از مقایسه اجمالی جزیه و خراج به نظر مشهور فقهای امامیه، اگر جزیه بر زمین بسته شده باشد، آن حکم زمینهای مفتوح العنونه را خواهد داشت. امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی، از اقلیت‌های دینی که تابعیت کشورهای اسلامی را دارند، جزیه گرفته نمی‌شود و وظایف مشترکی با مسلمانان دارند که طبق قوانین موضوعه این کشورها، آنها مشمول تمامی وظایف و مسئولیتهای افراد ملت هستند.

لذا گرفتن جزیه، به تصریح قرآن و با استناد به آیه ۲۹ سوره مبارکه توبه، نه تنها مشروع، بلکه واجب است و در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پس از آن حضرت، از اهل کتاب دریافت می‌شد. زیرا آنان در قلمرو حکومت اسلامی بین سه امر مؤخیر بودند: پذیرش اسلام، جنگ و التزام به شرایط ذمه، که با پذیرش امر سوم (التزام به شرایط ذمه) موظف به پرداخت جزیه بودند و علاوه بر این، در گرفتن جزیه از اهل کتاب، توان اقتصادی جزیه دهنده لحاظ می‌گردد.



از مقایسه جزیه با فدیة نیز حکم کلی این است که فدیة بر خلاف جزیه، بمنظور حفظ و نجات جان و مال خویش و رهایی از مشکلات و گرفتاری در آخرت می‌باشد که حکمی عام و فراگیر است که شامل تمامی افراد مسلمان و غیرمسلمان می‌گردد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. ابن آدم، ص ۵۸ و ۵۹
۲. مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، نفیسی ص ۳۸
۳. ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۶۲ - جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۷
۴. ابوعبید ص ۲۸ - طبرسی، ج ۵، ص ۳۴۵
۵. تفسیر نمونه، ج ۷ - ص ۳۵۰-۳۵۸
۶. کلانتری، ص ۳۴
۷. لغتنامه دهخدا
۸. مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، نفیسی، ص ۳۸
۹. راغب اصفهانی، ذیل ماده جزاء- ماوردی، ص ۲۲۵ - ابن فراء، ص ۱۵۳
۱۰. ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۶۲ - ابن قدامه ج ۱۰، ص ۵۶۷ - نجفی، ج ۱، ص ۲۲۷
۱۱. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۷
۱۲. قرآن مجید، سوره مبارکه توبه آیه ۲۹
۱۳. ابوعبید ص ۲۸ - بلاذری ص ۱۰۷-۱۰۸
۱۴. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۲-۲۷۲
۱۵. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۲-۲۷۲
۱۶. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۵ - زحیلی ص ۶۹۲
۱۷. مجلسی، ص ۵۱۵ - منتظری، ج ۳، ص ۳۸۹
۱۸. کلانتری، ص ۲۴
۱۹. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۵
۲۰. نثر طوبی، علامه شعرانی، ج ۱، ص ۱۳۰
۲۱. ابویوسف قاضی، ص ۱۳۹ - زحیلی، ص ۷۰۶ - منتظری، ج ۳، ص ۳۶۶
۲۲. خطاب، ج ۴، ص ۵۹۳ - مجلسی، ص ۵۱۵ - منتظری، ج ۳، ص ۳۸۹
۲۳. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۱۶
۲۴. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۵
۲۵. نثر طوبی، علامه شعرانی، ج ۱، ص ۱۳۰
۲۶. تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۲۶۹
۲۷. ماوراءالفرقه، ج ۹، ص ۱۱۹ - جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۵۲
۲۸. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۹۲ - فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص ۱۳۹۷
۲۹. مجمع البحرین، واژه فداء - ماوراءالفرقه، ج ۹، ص ۱۱۹



۳۰. قرآن کریم، سوره رعد، آیات ۱۶-۱۸ - زمر، آیه ۴۷ - یونس، آیه ۵۴ - حدید، آیه ۱۵
۳۱. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۴۹-۲۵۲ - ترجمه تحریرالوسیله ج ۲، ص ۴۹۹
۳۲. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۴۹-۲۵۲ - ترجمه تحریرالوسیله ج ۲، ص ۴۹۹
۳۳. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۴۹-۲۵۲ - ترجمه تحریرالوسیله ج ۲، ص ۴۹۹
۳۴. کتاب المکاسب، شیخ مرتضی انصاری
۳۵. ابن ادریس حلی
۳۶. ابن ادریس شافعی
۳۷. تحقیقی درباره ی خراج، ص ۴۶
۳۸. ابن آدم، ص ۵۲-۵۸-۵۹ - ابویوسف قاضی، ص ۲۵-۲۸-۳۵
۳۹. ابن قیم جوزی، قسم ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱ - عمید زنجانی، ص ۱۱۴-۱۱۶
۴۰. جصاص، ج ۳، ص ۹۷ - ابوصلاح حلبی ص ۲۶ - طوسی، ج ۱، ص ۳۵-۳۶
۴۱. کاسانی، ج ۷، ص ۱۱۱ - ابن رشد، ج ۱، ص ۳۲۵
۴۲. ابن عابدین، ج ۴، ص ۳۸۰
۴۳. ابن جزی، ج ۳، ص ۱۰۵ - قرطبی، ج ۴، جزء ۸
۴۴. ابن بابویه، ص ۴۷۰ - نجفی، ج ۲۱، ص ۲۳۸
۴۵. ابوعبیده، ص ۴۵-۴۶ - ماوردی، ص ۲۲۸
۴۶. عبدالکریم زیدان، ص ۱۳۹
۴۷. ماوردی، ص ۲۳۰ - ابن قیم جوزی، قسم ۱، ص ۴۵
۴۸. شریعتی، ص ۲۰۰-۲۰۱
۴۹. بیهقی، ج ۹، ص ۱۸۴-۱۸۹ - ابن قیم جوزی، قسح ۱، ص ۶ - عمید زنجانی، ص ۷۲
۵۰. ماوردی، ص ۲۲۷
۵۱. منتظری، ج ۳، ص ۲۳۸
۵۲. ابویوسف قاضی، ص ۱۲۸-۱۲۹
۵۳. مفید، ص ۲۷ - نجفی، ج ۲۱، ص ۲۳۰-۲۳۱
۵۴. منتظری، ج ۳، ص ۳۸۹ - شریعتی، ص ۲۰۵
۵۵. شریعتی، ص ۲۰۰-۲۰۱
۵۶. ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی، مسئله ۸، بخش احکام ذمه
۵۷. ابویوسف قاضی، ص ۱۲۳ - ماوردی، ص ۲۳۰
۵۸. مفید، ص ۲۷۹، عمید زنجانی، ص ۹۳
۵۹. زحیلی، ص ۶۹۸، یموت، ص ۱۳۳
۶۰. ابویوسف قاضی، ص ۶۷
۶۱. ماوردی، ص ۲۳۰
۶۲. ابویوسف قاضی، ص ۱۲۲ - طوسی، ج ۵، ص ۱۴۰۷-۱۴۱۷ - عبدالکریم زیدان، ص ۱۴۱
۶۳. طوسی، ج ۲، ص ۳۸ - علامه حلی، ج ۴، ص ۴۵





۶۴. مفید، ص ۲۷۹-نوری، ج ۱۱، ص ۱۲۱  
۶۵. ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی، مسئله ۱، شرایط ذمه

#### منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن آدم، کتاب الخراج، چاپ احمد محمد شاکر، قاهره
- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، چاپ محمودی محمد طنحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۳۸۳
- ابن ادیس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی - قم، ۱۴۱۰-۱۴۱۱
- ابن بابویه، المقنع، قم، ۱۴۱۵ ق
- ابن جزی، القوانین الفقهیه، بیروت، مکتبه الثقافیه
- ابن عابدین، حاشیه زدالمحتار علی الدر المختار، شرح تنویر البصار، چاپ افسست، بیروت ۱۹۷۹
- ابوصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، چاپ رضا استادی، اصفهان ۱۳۶۲ ش
- ابویوسف قاضی، کتاب الخراج، قاهره ۱۳۵۲
- ابوالقاسم اجتهادی، تحقیقی درباره خراج، مقالات و بررسیها، دفتر ۵-۶
- ابن فراء احکام السلطانیه، چاپ محمد حامد فقی، بیروت ۱۴۰۳
- ابوالقاسم خوئی، منهاج الصالحین، قم ۱۴۱۰
- ابوبکر بن مسعود کاسانی، کتاب بدائع الضائع فی ترتیب الشرائع، کویت ۱۴۰۹
- الفیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر
- احمد بن علی جصاص، کتاب احکام القرآن، استانبول ۱۳۳۵
- احمد بن محمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الذهان، چاپ مجتبی عراقی، علی پناه اشتیاردی و حسین یزدی اصفهانی، ج ۷، قم ۱۴۰۹
- بلاذری، بیروت
- زکریا بن محمد انصاری، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، بیروت ۱۴۱۸
- حسن بن یوسف علامه حلی، مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، قم ۱۴۱۱
- حسن بن یوسف، علامه حلی، تذکره الفقہا، مؤسسہ آل البیت، علیهم السلام
- حسین مدرس طباطبائی، زمین در فقه اسلامی، تهران ۱۳۶۲
- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سید کیلانی، تهران
- حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایه الفقہیہ والفقہ الدوله الاسلامیه قم ۱۴۱۱
- خمینی روح الله، ترجمه تحریرالوسیله، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
- طبرسی، شیخ فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۵۴۸ ق



## دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق حسین اشکوری، مکتبه المرتضویه، تهران ۱۳۷۵
- صدر، محمد، ماوراءالفرقه، ناشر دارالضواء، بیروت
- وهبه مصطفی زحیلی، آثار الحرب فی الفقه السلامی، دمشق ۱۴۰۱
- محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیست و پنج رساله فارسی، چاپ مهدی رجایی، رساله ۲۲، رساله صواعق الیهود، قم ۱۴۱۲
- محمد بن حسن طوسی، کتاب الخلاف، قم ۱۴۱۷
- محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی الفقه الامامیه، ج ۲، چاپ محمد تقی کشفی، تهران ۱۳۸۷
- محمد بن حسن طوسی، النهایه فی المجرّد الفقه والفتاوی، بیروت، دار الندلس، قم
- محمد بن محمد مفید، المقنعه، قم ۱۴۱۰
- محمد بن محمد خطاب، مواهب الجلیل لشرح مختصر خلیل، چاپ زکریا عمیرات، بیروت ۱۴۱۶
- محمد بن یعقوب بن اسحاق، ثقه الاسلام کلینی، الکافی
- علی اکبر کلانتری، الجزیه و احکامها فی الفقه السلامی، قم ۱۴۱۶
- علی بن محمد ماوردی، احکام السطانیه و الولايات الدینیّه، چاپ خالد عبد الطیف، سبع العلمی، بیروت ۱۴۱۰
- یوسف بن احمد، علامه بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، جامعه مدرسین حوزه ی علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم